



The Role of Middle Courtyard Facade Architecture in Regulating the Quality of Open and Enclosed Spaces in Qajar Houses: A Case Study of Akhund Neighborhood, Qazvin

Vahid Keshtkar Kholes¹, Mohsen Afshari²

1. Master's Degree, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran
(Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 2023/09/01

Accepted: 2024/05/10

Research Paper

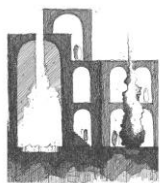
Abstract

The architecture of the courtyard façades in Qajar-era historic houses represents a unique and distinctive layer of design, meticulously crafted around the central courtyard. These façades, which encircle the courtyard, possess characteristics that regulate the spatial quality of both open and closed spaces. Beyond their direct impact on the aesthetics and identity of the house, these features also indirectly influence the environmental conditions both inside and outside the home. The primary objective of this research is to identify and analyze the features that contribute to the regulation of spatial quality in these façades, with a particular focus on the historical Qajar houses located in the Akhund neighborhood of Qazvin. This study employs qualitative data and a descriptive-historical approach to gain a deeper understanding of the architectural features of the courtyard façades in these houses. Researchers have utilized library documents and conducted field visits to systematically categorize and evaluate these features. The findings of this research reveal that the architecture of these façades acts as a semi-transparent layer that covers the enclosed interior spaces, effectively separating them from the external environment. These layers form an integrated and harmonious system, where each feature interacts with and influences the others, ultimately contributing to the optimal regulation of spatial quality. Three levels of analysis have been proposed in this study to examine the features of the courtyard façades. The first level includes "conceptual themes," such as flexibility, privacy, and connection with nature. The second level focuses on "environmental conditions," addressing factors like elevation from ground level, light modulation, and adequate ventilation. The third level pertains to "architectural details," including decorations and shape elements, which play a crucial role in enhancing the identity of these façades. Thus, by thoroughly understanding these features, significant strides can be made in preserving and revitalizing Qajar-era historic houses, thereby improving their spatial quality. This research demonstrates that the architecture of courtyard façades in Qajar houses holds considerable value not only in terms of aesthetics but also in functionality, offering a valuable model for contemporary design practices.

Keywords : Facade architecture, Spatial quality regulation, Open and enclosed spaces, Qajar houses, Qazvin.

* Corresponding author's Email: vahidkeshtkar75@gmail.com





نقش معماری نمای حیاط میانی در تنظیم کیفیت فضای باز و بسته خانه‌های قاجاری (مورد پژوهی: محله آخوند قزوین)

وحید کشتکار خالص^۱، محسن افشاری^۲

۱. کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

چکیده

معماری نمای حیاط میانی در خانه‌های تاریخی دوره قاجار، به‌عنوان یک‌لایه منحصربه‌فرد و خاص، به‌گونه‌ای شکل‌گرفته است که به‌طور متمرکز بر محور حیاط میانی قرار دارد. این نماها که در اطراف حیاط قرارگرفته‌اند، دارای ویژگی‌هایی هستند که کیفیت فضایی را هم در فضای باز و هم در فضای بسته تنظیم می‌کنند. این ویژگی‌ها، علاوه بر تأثیرات مستقیم خود بر زیبایی و هویت خانه، تأثیرات غیرمستقیمی نیز بر شرایط محیطی داخلی و خارجی خانه دارند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و بررسی ویژگی‌های مؤثر در تنظیم کیفیت فضایی در این نماها و همچنین ارزیابی این ویژگی‌ها در خانه‌های تاریخی قاجاری محله آخوند شهر قزوین است. این پژوهش با استفاده از داده‌های کیفی و رویکردی توصیفی-تاریخی، سعی در درک و تحلیل عمیق‌تری از ویژگی‌های معماری نمای حیاط میانی در این خانه‌ها دارد. برای دستیابی به این هدف، پژوهشگران از اسناد کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی بهره‌گرفته‌اند تا در قالب دسته‌بندی‌های مشخص موردبررسی قرار دهند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که نمای معماری این خانه‌ها به‌عنوان لایه‌ای نیم‌شفاف عمل می‌کند که فضای بسته داخلی را پوشش داده و آن را از محیط بیرونی جدا می‌کند. این لایه‌ها در واقع سامانه‌ای یکپارچه و هماهنگ را تشکیل می‌دهند که در آن هر ویژگی بر ویژگی دیگر تأثیر می‌گذارد و درنهایت به تنظیم بهینه کیفیت فضایی کمک می‌کند. در این پژوهش، سه سطح پیشنهادی برای بررسی و تحلیل ویژگی‌های نمای حیاط میانی ارائه شده است. سطح اول شامل «موضوعات مفهومی» مانند انعطاف‌پذیری، حریمیت و ارتباط با طبیعت است. سطح دوم به «تنظیم شرایط محیطی» پرداخته و به عواملی مانند فاصله از سطح زمین، تعدیل نور و تهویه مطلوب توجه دارد. سطح سوم نیز به «جزئیات» معمارانه مانند تزئینات و عناصر شکلی می‌پردازد که نقش مهمی در هویت‌بخشی به این نماها دارند؛ بنابراین، با شناخت دقیق این ویژگی‌ها می‌توان گامی مؤثر در جهت حفظ و احیای خانه‌های تاریخی قاجاری برداشت و به ارتقای کیفیت فضایی آن‌ها کمک کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که معماری نمای حیاط میانی در خانه‌های قاجاری نه‌تنها از نظر زیبایی‌شناسی بلکه از نظر کارکردی نیز دارای ارزش‌های بسیاری است که می‌تواند الگوی مناسبی برای طراحی‌های امروزی باشد.

کلمات کلیدی: معماری نما، تنظیم کیفیت فضایی، فضای باز و بسته، خانه‌های قاجاری، قزوین.

* نویسنده مسئول: vahidkeshkar75@gmail.com





مقدمه

ناحیه مرکزی سرزمین ایران از سمت شمال، با رشته‌کوه‌های البرز و از سمت غرب، با کوه‌های زاگرس احاطه شده که همچون دیواری طبیعی، مرکزیت فلات ایران را حفاظت می‌کنند. در محل تلاقی این دو رشته‌کوه و بلندی‌های موضعی مجاور آن‌ها و در سمت داخلی فلات ایران، پهنه‌ای قرار دارد که شهر قزوین در لبه آن واقع شده است. این شهر، نخستین مرکز بزرگ حکومتی و دفاعی ایران است (منصوری و دیزانی، ۱۳۹۵: ۱۳۲) که هر تازه‌واردی از شمال و غرب را ملاقات می‌کند؛ از این رو، روستا که این نقطه، با شخصیت ورودی سرزمین مرکزی ایران، ناحیه‌ای حفاظتی و امنیتی به شمار آید (منصوری، دیزانی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). ساختار توپوگرافیکی متفاوت، شرایط اقلیمی مختلفی را در پهنه جغرافیایی استان به وجود آورده که با نوسان آشکاری همراه است. این گوناگونی برحسب عوامل و عناصر متأثر در شرایط آب‌وهوایی، چهار محدوده جغرافیایی را برجسته می‌سازد: الف) آب‌وهوای سرد کوهستانی که نواحی شمالی و نیز ارتفاعات جنوب غربی استان را در برمی‌گیرد؛ ب) آب‌وهوای معتدل کوهپایه‌ها و دامنه‌ها، پ) آب‌وهوای نسبتاً خشک تا نیمه‌خشک نواحی مرکزی دشت قزوین و بوئین‌زهرا، ت) آب‌وهوای مرطوب گرمسیری در بخش‌هایی از تارم و دره شاهرود (حضرتی، ۱۳۸۹: ۶). با توجه به اقلیم شهر قزوین، بیشتر خانه‌ها در دوره قاجار به شکل حیاط میانی بنا شده‌اند. خانه‌های برجای‌مانده قزوین، جملگی مربوط به دوره قاجاریه بوده، شیوه معماری آن با گوناگونی اندکی تغییرات در جزئیات، با خانه‌های تاریخی دیگر شهرهای کهن ایران مشابه است که بنا به موقعیت جغرافیایی و مسائل فرهنگی و اجتماعی و مصالح سنتی موجود در منطقه در یک یا دو اشکوب ساخته شده و بیش‌تر این خانه‌ها، شامل دو حیاط است: یکی بیرونی و دیگری اندرونی، حیاط بیرونی، بیش‌تر برای رسیدگی به امور کدخدایان و رعایا و بررسی به حساب و کتاب آن‌ها و احیاناً شکایات و گرفتاری‌های محلی و از قبیل این کارها، حیاط اندرونی نیز، بخش اصلی خانه را تشکیل می‌دهد (آصف‌زاده، ۱۳۷۴، ۱۰۴). عناصر فضایی در معماری خانه‌های قزوین به واسطه اقلیم آن با خانه‌های مرکزی ایران، تقریباً مشترک بوده است؛ ایرانی‌ها برابر مرسوم پیرامون خانه‌شان دیوار بلند می‌سازند و از کوی‌وگذر، نمی‌توان نما و درون خانه را دید؛ اما شماری از این خانه‌ها به‌طور غیرمنتظره‌ای، باشکوه و عالی است. خانه‌های بزرگان و متمولان، باغچه‌ای میان ساختمان و حوضی در میان آن دارد و ساختمان بیرونی از اندرونی جداست (اینووه، ۱۳۹۰، ۲۸)؛ در واقع معماری نما، بخشی از روند شکل‌دهی ساختمان است که معمار و استادکاران گوناگون، بیش‌ترین ظرافت هنری خود را در آن به نمایش می‌گذارند و بخش مهمی از تصویرپردازی هنرمندان معمار و هنرهای تجسمی در اینجا تحقق می‌یابد (معماریان، ۱۳۹۳، ۶۷). از این روی، نگارنده تمرکز خود را به بخش معماری نما در خانه قزوین معطوف کرده است؛ منظور از معماری نما، چهار وجهه درونی خانه‌های درون‌گرا است که رو به حیاط میانی هستند؛ از این روی، بررسی ویژگی‌های مؤثر در معماری نما و تنظیم کیفیت فضایی در حیاط میانی خانه‌های تاریخی، ضروری است. هدف این پژوهش، بررسی ویژگی‌های مؤثر معماری نمای خانه‌های تاریخی، در تنظیم کیفیت فضایی محله آخوند شهر قزوین است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تاریخی است و روش گردآوری داده‌ها به صورت بررسی اسنادی و بازدید میدانی صورت گرفته است.

حائری در کتاب «خانه، فرهنگ و طبیعت» عناصر معماری خانه را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ این سه دسته شامل دیوار، کف و سقف است. در این دسته‌بندی، دیوار واژه جامعی است که معماری نما را در خود جای داده است؛ در صورتی که معماری نما عملکردی فراتر از یک دیوار معمولی دارد (حائری، ۱۳۹۶، ۱۲۱)؛ در واقع معماری نما، نقش اساسی در زندگی افراد ساکن در خانه‌های تاریخی دوره قاجاری را ایفا می‌کند. این نقش را می‌توان با ویژگی‌های



شناسایی شده از پیشینه پژوهش و بازدید میدانی در پژوهش حاضر، مورد بررسی قرار داد. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. نقش معماری نمای حیاط میانی، در تنظیم کیفیت فضا باز و بسته چیست؟
۲. معماری نمای حیاط میانی، چگونه باعث تنظیم کیفیت فضا می‌شوند؟
۳. معماری نمای حیاط میانی، در روشنایی فضای بسته چه نقشی دارند؟

پیشینه پژوهش

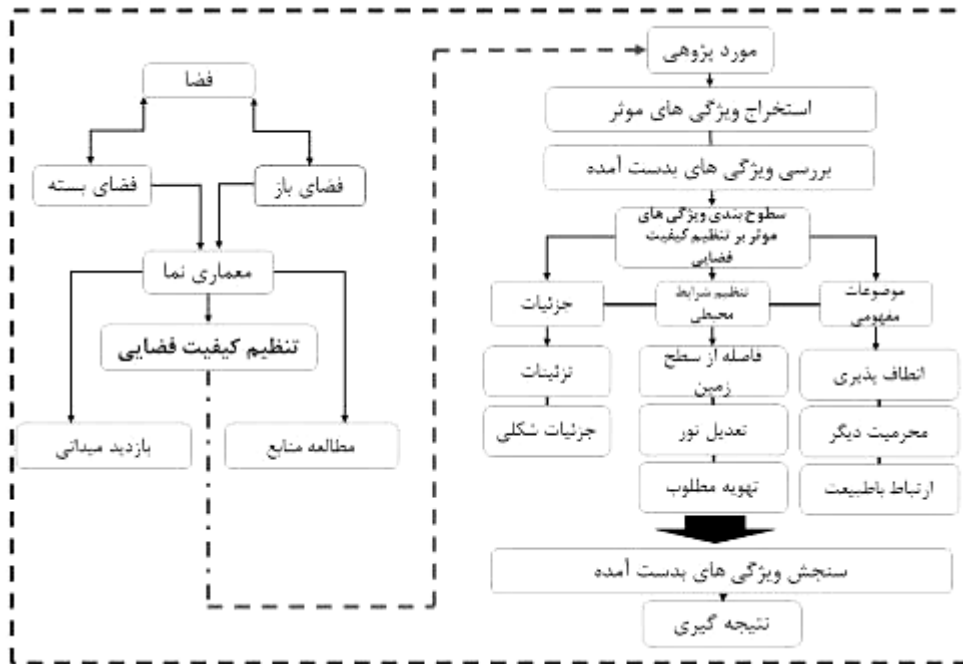
کیفیت عملکردی و ساختاری در درجه اول به فرم و کارایی ساختمان، کاربرد و قابلیت استفاده عملی و نیز کیفیت اجرای آن، اشاره دارد. این نوع از کیفیت، ساختمان را ملزم می‌سازد تا برای همگان، قابل دسترس بوده، فضاهای کافی را ارائه کند، چیدمانی مشخص داشته و به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد و نیز شرایط مکانی را فراهم سازد که از لحاظ امنیت، سلامت و دلپذیری مطمئن واقع گردد (سامه، ۱۳۹۶، ۵۳). روند ارزشیابی کیفیت از ویژگی‌های عینی محیط آغاز می‌شود که شخص آن‌ها را بر اساس ذهنیت، اهداف و ارزش‌های خود ادراک و ارزیابی می‌کند. بر پایه این ارزیابی، وی هم رفتار خود را تنظیم می‌کند و هم می‌تواند در جهت ترمیم و بهتر شدن کیفیت محیط، فعالیتی نشان دهد که موجب تنظیم و تغییر در ویژگی‌های عینی و به کار افتادن دوباره این روند شود (رحمانی و ندیمی، ۱۳۹۸، ۵۵). ایرانیان از دوران باستان باتوجه به طرز تلقی خویش از خانه و خانواده، به نوعی معماری درون‌گرا گرایش نشان داده‌اند. اصولاً در شکل‌گیری فضاهای مختلف به‌ویژه فضاهای مسکونی، مسائل اعتقادی خاص ایرانیان تأثیرگذار بوده است. یکی از آن ویژگی‌ها، احترام به زندگی خصوصی است، دیگر خصوصیت، عزت‌نفس ایرانیان است که به نحوی در شکل‌گیری فضاهای یک‌خانه درون‌گرا تأثیرگذار بوده است (پیرنیا، ۱۳۷۱، ۴۱). معماری درون‌گرا، از بیرون ظاهر ساده‌ای دارد (دیوار کاه‌گلی، درب چوبی ساده، سردر ساده)، بی‌آنکه بخواهد خودنمایی کند یا عظمت درونی خود را به رخ هر رهگذری بکشد؛ اما برعکس در درون، هنر و طراحی بسیار قوی و غنی و از نظر تزئینات گچ‌بری و نقاشی در اوج زیبایی و ظرافت است که چشم‌نواز دیدگان هر تماشاگری است. پنجره‌ها نه به بیرون که در درون و روبه حیاط، باز می‌شوند که اهالی خانه از نگاه غریبه و دیگرانی که محرم و آشنا نیستند، در امان بمانند. درون‌گرایی به‌منظور حصول امنیت، آرامش و حفظ حریم در تماس ابعاد خانه، بازنمایانده باورهای مردم درباره ارزش‌های سنتی و دینی در باب حریم و حجاب در سبک معماری است که از پرداختن به ظواهر بیرونی و نمایش پرهیز کرده و به‌عوض آن، شاهد نمایش هنرنمایی در خانه‌ای است که سربه‌تو دارد. نداشتن دید بر روی بنای مجاور و دیده‌شده درون خانه از بیرون و اهمیت حریم خصوصی و در کل، محرمیت، یکی از معیارهای طراحی در معماری اسلامی - ایرانی بوده است (برومند، ۱۳۹۷، ۶۷). دیوار، در معماری گذشته و در ساختمان‌های امروز، نقشی مهم را در جدایی فضاها بر عهده دارد. جداکنندگی نقش، خاصیت، وظیفه و عملکرد دیوار است؛ اما در معماری ایرانی، دیوار علاوه بر جدا کردن فضاها در تعریف و تحکیم، تنظیم و نمایش فضاها و مهم‌تر از همه در ترکیب فضاها، نقش اساسی ایفا می‌کند تا آنجا که دیوار در فرهنگ معماری ایران معادل عبور به ماورا و گذشتن و پیوستن، انسداد، حصار و جدایی است (حائری، ۱۳۹۵، ۱۰۹). با آنکه نما، موظف بود حائلی میان انسان و تهدیدات خارجی باشد؛ ولی می‌بایست نقش رابط میان درون و بیرون، خصوصی و عمومی، خلوت و شلوغ، مصنوع و طبیعی را ایفا نماید. انسان، نیاز به نور و تهویه داشت و محتاج ارتباط با طبیعت و جامعه بود او می‌خواست گردش زمان و تغییر و تحولات اطراف خود را دنبال کند؛ به همین خاطر نما، تبدیل رابطه میان درون و بیرون شده، باید ورود نور، نسیم و میهمان را به داخل تأمین کرده، امکان



دید خوب را به بیرون ایجاد می‌کرد. روزنه‌ها در و پنجره به‌عنوان عناصری از نما، این نقش رابط فیزیکی یا بصری و غیره را به عهده گرفتند (پاکزاد، ۱۳۸۲، ۵۴)؛ در واقع به نقل از معماریان نما در خانه‌های درون‌گرا، بیشتر معطوف به داخل خانه و چهار جبههٔ رو به حیاط میانی است (معماریان، ۱۳۷۵، ۱۴۲). شولتز همچنین در مورد ارتباط درون‌وبیرون، این‌گونه بیان می‌کند؛ «به هر شکل بسته‌ای، باید وارد شد و در هر صورت مسیری بدان وجود دارد. برای اینکه یک‌خانه، حالت یک زندان را نداشته باشد، بایستی پنجره‌ها و منافذی به دنیای بیرون داشته و این درون را به بیرون ربط دهد. همان‌طور که بیرون از حدود محاط نفوذ می‌کند یک حوزه انتقالی به وجود می‌آورد. این حوزه متصل به یک محل باز و منفذی است که می‌تواند با ارائه اشکال مختلف، مبین میزان تداوم در فضای هستی باشد» (شولتز، ۱۳۹۳، ۷۱). در کتاب «دیگری در اندرونی؛ واکاوی فضای جنسیتی» بهرامی برومند، اشاراتی به تنظیم فضای خصوصی و عمومی شده است که نقش زنان را در خانه‌های قاجاری بررسی کرده‌اند. در دوره‌های گوناگون معماری نمای حیاط میانی خانه‌های ایران توجه کم‌تری شده است؛ البته نمای خانه‌های قاجاری که روبه معبر هستند به دلیل درون‌گرایی، عاری از تزئینات و عملکرد خاصی است و بیشتر نقش دیوار ساده دارند؛ البته در دوره‌های بعد سردر خانه‌ها، دارای نماهای پر تزئین و آجرکاری‌های زیبا می‌شود. در این پژوهش تلاش شده تا خوانش جدیدی نسبت به معماری نمای حیاط میانی خانه‌های قاجاری (قبل از ظهور نماهای سردر خانه‌ها) در شهر قزوین انجام شود.

روش تحقیق

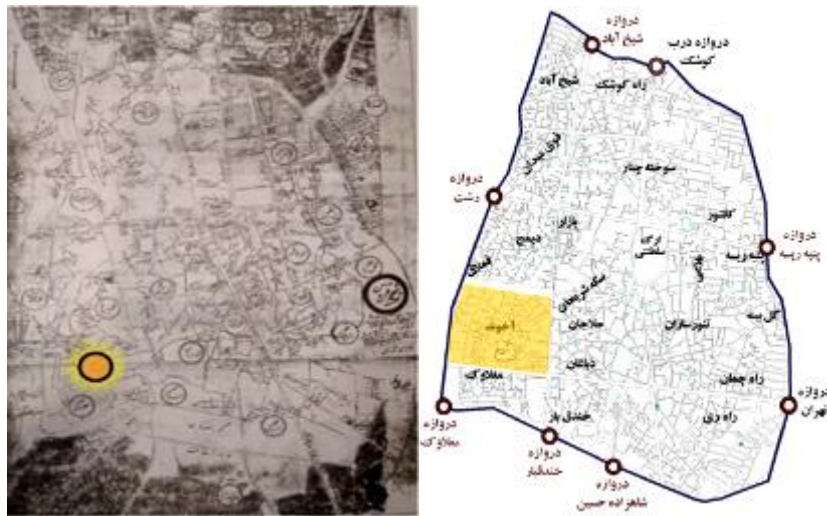
در پژوهش پیش رو، سعی شده تا خانه‌های محله آخوند قزوین بررسی شوند. بر اساس بازدید میدانی نگارندگان خانه‌های شهیدی، زرنگار و محصص در این محله قرار دارند و خانه امینی بافاصلهٔ بیش‌تری به نسبت این سه خانه واقع شده است. اهالی این محله، خانهٔ امینی را جزئی از این محله نمی‌دانند؛ اما در نقشه‌ای پورتال شهرداری قزوین، این خانه در لبهٔ محله (کنار خیابان مولوی) قرار دارد؛ از این‌رو، نگارندگان برای بالا بردن جامعه آماری و از حیث اهمیت این خانه در شهر قزوین، خانه امینی‌ها را هم جزئی از این محله بررسی می‌کنند. راهبرد تحقیق تاریخی یکی از روش‌های روایت توصیف رویداد و شرایط گذشته است که مبتنی بر گردآوری حداکثر واقعیت‌های استنتاجی قابل تشخیص است (گروت، وانگ، ۱۳۹۸، ۱۱۸). تمرکز این پژوهش در گام اول ارتباط بین فضای باز و بسته، به‌واسطهٔ معماری نمای خانه‌های تاریخی محله آخوند شهر قزوین است. ابتدا داده‌ها به‌واسطهٔ مطالعه کتابخانه‌ای بررسی شده و در بازدید میدانی، کامل شده و در نهایت، مؤلفه‌هایی که در تنظیم کیفیت فضایی مؤثر هستند؛ آشکار می‌شوند؛ سپس مؤلفه‌ها در سه سطح دسته‌بندی شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی-تاریخی و روش گردآوری داده‌ها به‌صورت بررسی اسنادی و بازدید میدانی صورت گرفته است. به‌واسطهٔ بررسی اسنادی و بازدید میدانی از خانه‌های مورد پژوهی، ویژگی‌هایی که در تنظیم کیفیت دو فضای باز و بسته مؤثر هستند، شناسایی می‌شوند و سپس هر یک به‌صورت مختصر با پشتیبانی اسناد و استدلال منطقی بررسی می‌شوند. در ادامه، ویژگی‌ها در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند (موضوعات مفهومی، تنظیم کیفیت محیطی و جزئیات) تا هر یک موردسنجش قرار بگیرند. برای اعتبار دادن به پژوهش حاضر، سنجش‌ها در میان چند خانه از محلات گوناگون شهر قزوین به‌صورت تصادفی، گزینش شده‌اند و هر یک از آن‌ها موردسنجش قرار می‌گیرند.



نمودار ۱: فرآیند پژوهش، (نگارندگان)

محله آخوند (بُن درخت):

محله، قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یک‌دست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود. مظاهر یک محله را می‌توان همیشه از درون آن شناخت و گاه نیز ممکن است، وقتی ناظر از کنار آن می‌گذرد یا به‌جانب آن می‌رود از بیرون به شناسایی آید (لینچ، ۱۳۹۵، ۱۲۳). محله آخوند، یکی از محلات قدیمی شهر قزوین است. بیشتر تغییرات در بافت محله مربوط به دوره قاجار است. در دوره قاجاریه، برحسب کتابچه سرشماری (۱۲۹۹ هجری قمری) شانزده محله و در دوره پهلوی اول تا شهریور ۱۳۲۰ شمسی به نوشته گلریز در کتاب مینودر، هفده محله داشته است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۵۶۳). یکی از این محله‌ها، محله آخوند یا بُن درخت است. این محله نام علامه ملاخلیلا (خلیل بن‌غازی قزوینی)، مولی شرح کافی و صافی (متوفی ۱۰۸۹ هجری قمری) است. ظاهراً عالم مذکور، باعث آبادانی محله و بازسازی قنات منظم‌شده «نوک» بودهاست. آرامگاه وی نیز، در این محله در مجاورت عمارت محصص مستشاری واقع در حیاط متوسطی است (پرهیزکاری، ۱۳۹۰، ۱۷). بدنه، توسط مغازه‌های خرده‌فروشی (بقالی، نانوايي، میوه‌فروشی و...) و دیگر خدمات مانند حمام، مسجد، آب‌انبار و غیره محصور شده است. در گوشه‌ای چند درخت کهن‌سال، به‌عنوان عنصر و نشانه‌ای سبز، به آن حالت مطبوعی داده است. این فضای شهری هنوز هم به عملکرد خود ادامه می‌دهد (مجابی، ۱۳۸۸، ۳۶۰). این محله در جنوبی غربی شهر قزوین، قرار گرفته است. جایگاه محله آخوند، بین دو دروازه مغلواک و دروازه رشت است. بافتار این محله، قاجاری بوده که امروزه آثار محدودی از آن باقی‌مانده است. خانه‌های قاجاری که در این محله واقع شده، شامل خانه شهیدی، خانه زرنگار، خانه محصص، خانه شیشه‌گرا، خانه قائمی و خانه امینی‌ها هستند.



نقشه ۱: جایگاه محله آخوند در نقشه امروزی و تاریخی شهر قزوین، (نگارندگان)

مبانی نظری (فضای باز و بسته)

فضا: دل‌بستگی بشر به فضا، ریشه‌های وجودی دارد. این دل‌بستگی از نیاز به فهم مناسبات حیاتی در محیط پیرامونش سرچشمه می‌گیرد تا به عالم رخدادها و کنش‌ها معنا و نظم دهد (شولتز، ۱۳۹۳، ۷). پژوهش در معماری در دوره پیش از اسلام هم مؤید حضور سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده، به‌طور هم‌زمان و هم‌مکان است (حائری، ۱۳۹۵، ۱۲۰). به‌طور کلی می‌توان، سلسله‌مراتب فضای خانه‌ها را به نقل از حائری (۱۳۹۵) به سه دسته تقسیم کرد؛ فضای باز، فضای بسته و فضای پوشیده. در این پژوهش تنها به دو فضای باز و بسته اشاره می‌شود.

فضای باز: بناهای حیاط‌دار در ایران قدمتی در حدود هشت‌هزار سال داشته و تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش‌هزار سال را طی کرده‌اند (معماریان، ۱۳۹۱، ۱۶). حیاط خانه‌یکی از قدیمی‌ترین اشکال توسعه خانه است که قدمت آن به ۵۰۰۰ سال قبل می‌رسد و به شکل گوناگونی در سراسر جهان شکل گرفته است. حیاط میانی، بیشتر در خاورمیانه است که تحت تأثیر آب‌وهوا و فرهنگ جامعه آن منطقه شکل گرفته است (Edwards et al, 2013). از حیاط در خانه‌های ایرانی، به شکل‌های مختلف استفاده شده است. بعضی از این موارد به‌اختصار چنین است: الف) نشانه حریم تملک، ب) وحدت دهنده چند عنصر، خانه ج) ارتباط‌دهنده چند فضا، د) برای ایجاد محیطی سرسبز و بانشاط، ه) به‌عنوان یک هواکش مصنوعی برای گذر جریان بادهای مناسب و سازمان‌دهی فضاهای مختلف، ز) حریمی امن و آرام برای آسایش خانواده. در معماری مسکن خانه‌های حیاط‌دار، یک یا چند مورد از عملکردهای یادشده را می‌توان مشاهده کرد (معماریان، ۱۳۷۵). در خانه‌های قزوین، حیاط نقش مهمی دارند؛ از جمله استفاده از آب قنات‌ها، نور فضاهای داخلی، تقسیم‌بندی فضاها و قرارگیری فضای سبز در حیاط. هر یک از مؤلفه‌های حیاط تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری خانه‌های قزوین گذاشته‌اند. فضای باز در تنظیم کیفیت فضایی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. این نقش را می‌توان در انعطاف‌پذیری، ارتباط با طبیعت، تهویه مطلوب مشاهده کرد.

فضای بسته: هر سه عنصر سقف، کف، دیوار و تمامی اجزای در؛ در-پنجره و روزن برای شکل‌گیری فضاهای بسته مورداستفاده بوده است. فضاهای بسته طیف متنوعی دارد و باتوجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری، نام‌های گوناگون بدان اطلاق می‌شود (حائری، ۱۳۹۵، ۱۳۲). توجه به اصل درون‌گرایی، در این‌گونه مساکن، سبب می‌شود فضای باز،



در میان فضای بسته بنشینند و فضای بسته، همچون حصاری آن را دور بزند و از بیرون، مخفی کند یا حداقل از دسترسی سریع دور دارد (نوابی و حاجی_قاسمی، ۱۳۹۰، ۲۱). فضاهای بسته در خانه‌های قاجار قزوین تا حد امکان به واسطه نور طبیعی روشن می‌شد و در فضاهایی، مانند آب‌انبار سعی شده در قسمت بالایی آن روزه‌ای روبه حیاط ایجاد کنند تا نور طبیعی را به داخل فضای بسته بیاورند در بخش‌های دیگر، مانند زیرزمین هم به واسطه گره چینی‌ها، نور را وارد فضای زیرزمین می‌کردند. در فضاهای اصلی سه‌دری‌ها، پنج‌دری‌ها روشنایی فضاها به واسطه معماری نما صورت می‌گیرد. این روشنایی به واسطه شیشه‌رنگی‌ها شکسته شده و نور تلطیف شده‌ای وارد فضای بسته می‌شود.

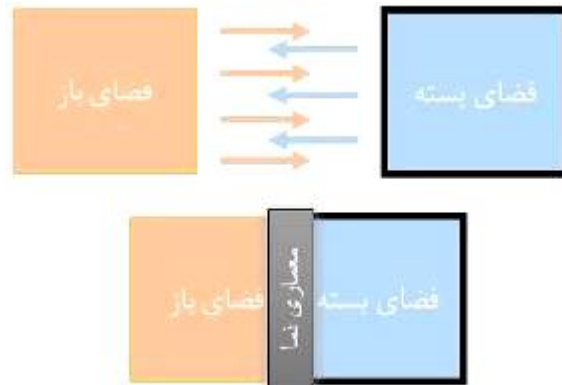


شکل ۱: مفهوم فضای باز و بسته، (نگارندگان)

معماری نما: از زمانی که انسان، اولین سرپناه را برای خود ایجاد کرد، با جداسازی فضای درون و بیرون توسط وی، تعریفی از مفهوم «مرز» در سازمان‌دهی فضا (به‌طور مصنوع) به‌وجود آمد. در مراحل بعدی پیشرفت دانش انسان در حیطه ساخت‌وساز، مرزهای یک فضای ساخته‌شده را عناصری، همچون کف، دیوار و سقف تعریف می‌کردند. به این ترتیب، ماهیت فضا نیز در چگونگی تعریف مرزهای آن شکل می‌گرفت؛ اما علیرغم آنکه، تعریف «مرز» موجب ایجاد ساختارهای گوناگون فضایی معماری در طول تاریخ شد، به همان اندازه نیز، کیفیات جدیدی در فضا، بر مبنای محو کردن و از بین بردن مفهوم «مرز» در آن، به‌وجود آمد (شاهچراغی، ۱۳۸۲، ۶۰). نماها و پنجره‌های روبه حیاط، رابط بین فضای بیرون و درون هر بنایی، می‌باشند. ابعاد، شکل، مساحت و نحوه کنار هم قرار گرفتن پنجره‌ها در نماهای روبه حیاط می‌تواند، مقدار نور طبیعی و دید لازم در فضاها را فراهم نماید که نقش بسیار مهمی در سلامت فضایی برای ساکنین آن بنا دارند (صالحی پور، اعتصام و شمیرانی، ۱۳۹۹، ۱۱). انسان، هم به فضای بیرونی و هم به فضای درونی و هم به امکان حرکت بین این دو فضا، نیازمند است. از این‌رو، این دو قابل جدایی مطلق نیستند و همیشه ارتباط کم‌وبیش شدید بین آن‌ها وجود دارد. نوع این ارتباط بیش از هر چیز، تابع نوع روزه‌های فضای داخلی از یک‌سو و رابطه فضایی بین نماها، از سوی دیگر است. محل و فرم این ارتباطات بین درون و بیرون از تناقضی حاصل می‌شود که در ذات این ارتباطات وجود دارد؛ به این معنی که از طرفی باید فضای داخلی، فضایی باشد محصور و بسته و محافظت‌شده در مقابل محیط بیرون و از طرف دیگر، لازم است قطعاً بین دو فضا، ارتباطی وجود داشته (گروتز، ۱۳۹۷، ۱۲۵). در طول تاریخ، همواره رابطه بین فضای درونی و فضای بیرونی، انسان را درگیر حفظ رابطه با طبیعت و جامعه توأمان نموده است. دیواری که دو فضا را از هم جدا می‌سازد، (علاوه بر تفکیک دو فضا) از طریق ورودی‌ها و بازشوها به نوان واسطه ارتباطی میان دو فضا رفتار می‌نماید؛ از سوی دیگر محدوده مقابل سرپناه عاملی جهت تجمع و مکانی برای فعالیت‌های متنوع می‌شود. این رابطه، یک حقیقت غیرقابل اجتناب است؛ زیرا که بدون آن تمامی کارکرد یک فضای محصور، میسر نخواهد شد (Nooraddin, 1998, 20). الگوهای بازشو در سه‌دری و پنج-دری‌ها به‌صورت لولا است و بازشوها در سمت راست و چپ گردش می‌کنند. سه‌دری‌ها معمولاً در حیاط‌های اندرونی



هستند و از تزئینات کم‌تری به نسبت ارسی‌ها برخوردار هستند. بیش‌تر تزئینات در سده‌ری‌ها در قسمت بالایی آن‌ها است که به‌صورت شیشه‌رنگی پی‌ریزی شده‌اند.



شکل ۲: تلفیق دو فضای باز و بسته و به‌وجود آمدن معماری نمای حیاط میانی، (نگارندگان)



نمودار ۲: ویژگی‌های مستخرج شده از پیشینه پژوهش و مبانی نظری، (نگارندگان)

یافته‌های تحقیق

خانه‌های تاریخی محله آخوند شهر قزوین

خانه‌های قرار گرفته در محله آخوند شهر قزوین، شامل خانه امام‌جمعه شهیدی، خانه زرنگار، خانه محمص، خانه شیشه‌گرا و خانه قائمی است به‌واسطه نزدیکی خانه امینی‌ها به محله مذکور و از حیث اهمیت این خانه در دستیابی به ویژگی‌های معماری، نمای حیاط میانی، در این پژوهش مورد خوانش قرار می‌گیرد. از خانه شیشه‌گرا و قائمی، تنها برخی از نقشه‌های آن‌ها باقی‌مانده است و بنای هر دو خانه، تخریب شده است. معماری نما در خانه‌های محله مذکور، در حول حیاط میانی، شکل گرفته‌اند. معماری نماها می‌توانند در یک تا چهارسوی حیاط میانی شکل، پی‌ریزی شوند. در خانه‌های گزینش شده محله آخوند نمونه‌های گوناگون از یک‌سو تا چهارسو، قابل مشاهده است.

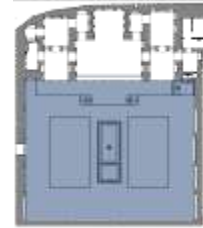


جدول ۱: مشخصات کلی وضع موجود خانه‌های تاریخی محله آخوند شهر قزوین، (نگارندگان)

توضیحات وضع موجود، بر پایه بازدید میدانی و شناسایی ویژگی‌ها	نگار معماری نما	جایگاه حیاط میانی در پلان	خانه
<p>با توجه به بازدید میدانی، این خانه را به دلیل اینکه به تصرف دولت درنیاید، وقف کرده‌اند. این خانه دارای حیاط‌های متعددی بوده می‌توان گفت در هر حیاط الگوی معماری نما گوناگونی از منظر شکلی وجود دارد. در حیاط اصلی ورودی که به صورت عمومی بوده تزئینات بیشتر و جزئیات شکلی با معماری نمای غنی، شکل گرفته است. برخلاف حیاط‌های اندرونی که فقط برای حضور افراد خانواده بوده، معماری نما از تزئینات کمتری برخوردار است. در دو نمای حیاط میانی اندرونی و بیرونی، سطح بازشوها برای تهویه و نور به زیرزمین، بالاتر از سطح زمین قرار گرفته‌اند.</p>			امینی‌ها
<p>معماری نمای خانه شهیدی، به سه بخش اصلی تقسیم شده است. بخش اصلی و بزرگ‌تر آن اُرسی آن است که جزئیات شکلی فراوانی یافت می‌شود و در ضلع کناری بخش میانی سهدری‌هایی در دو اشکوب، شکل گرفته و قسمت میانی به سمت جلو حرکت کرده است و همین امر باعث تأکید بر بخش میانی می‌شود. این تأکید به منزله مهم بودن این فضا است؛ چراکه فضاهای اصلی این خانه در بخش میانی قرار گرفته‌اند و میزان سطح بازشوها به نسبت بخش‌های دیگر بیشتر است. معماری نمای حیاط میانی خانه شهیدی، مانند دیگر بناهای قزوین، در سطح بالاتری قرار گرفته‌اند تا نور و تهویه زیرزمین تأمین شود.</p>			شهیدی
<p>در کنار هشتی خانه، آرامگاه مرحوم محمص قرار گرفته است. این خانه برخلاف نمونه‌های پیشین، نمای سردر ورودی زیبایی دارد؛ اما در معماری نمای حیاط میانی به نسبت سردر ورودی، بسیار ساده و بی‌آلایش است؛ در واقع معماری نمای حیاط میانی در خانه محمص به واسطه یک در ساده، شکل می‌گیرد. این خانه به نسبت خانه‌های دیگر محله آخوند از تزئینات کم-تری برخوردار است و مانند الگوهای پیشین، بالاتر از سطح زمین قرار گرفته است و در قسمت پایینی آن، زیرزمین قرار دارد.</p>			محمص



زرنگار



معماری نمای حیاط میانی خانه زرنگار، در یک‌سوی حیاط میانی قرار داد. پله در معماری نمای حیاط در این خانه نمایان است. میزان سطح بازوها به معماری نمای خانه، بسیار زیاد است. دو پله برای برقراری ارتباط بین فضای باز و بسته وجود دارد که در واقع به‌نوعی باعث انعطاف‌پذیری بین این دو فضا هم می‌شود؛ همچنین مانند خانه‌های پیشین سطح معماری نمای حیاط به نسبت زمین بالاتر در نظر گرفته‌شده است.

انعطاف‌پذیری فضا

انعطاف‌پذیری فضاها به‌واسطه معماری نما در فضای بسته به‌گونه‌ای است که در حدفاصل دو فضای بسته، معماری نما قرار گرفته است. باز و بسته شدن معماری نما (به‌صورت کشویی) موجب شده است که به فضای بسته، عملکردی چندگانه بدهد. با باز کردن معماری نما در بین دو فضای بسته، دو فضا تبدیل به یک فضای بزرگ می‌شوند؛ همچنین در مقابل با استفاده از معماری نما، فضاها می‌توانند، کوچک‌تر شوند. این انعطاف‌پذیری در فضاهای مختلف خانه به‌واسطه معماری نمای حیاط میانی، امکان‌پذیر بوده است. همین ارتباط در فضای بازهم اتفاق می‌افتد به‌واسطه معماری، نمای انعطاف‌پذیری بین دو فضای باز و بسته، رخ می‌دهد. ارسی موجود در بدنه معماری نما، رو به حیاط اتاق شکم‌دریده، می‌توانست در مواقع لزوم بالا رود و فضای درون‌ویرون در ارتباط باهم عمل کند. فضای انعطاف‌پذیر (در رابطه با نیازها) به‌مجرد خود آن کیفیت حداکثری مطلوب را فراهم نمی‌آورد؛ بلکه آنچه در پس این مکاشفه، متعالی می‌نماید، وجود انعطاف در رابطه میان انسان و فضای معماری است و نه صرفاً وجود انعطاف‌پذیری در جسم مجرد فضا. در اینجا انعطاف‌پذیری به مدد یک معماری هوشمند، می‌باید در دو رابطه اصلی انسان-انسان و انسان-طبیعت وجود داشته‌باشد. در موارد دیگر ارسی‌ها در فضای درونی خانه‌ها به‌واسطه بالاوپایین شدن آن‌ها، باعث افزایش فضا و افزایش دید افراد می‌شدند؛ برای مثال در خانه‌های امینی‌ها در فضای داخلی آن ارسی‌ای قرار گرفته است که در زمان روضه‌خوانی یا مراسم‌های دیگر، ارسی‌ها باز می‌شدند تا فضای اصلی بزرگ‌تر شود (شکل ۳).

①

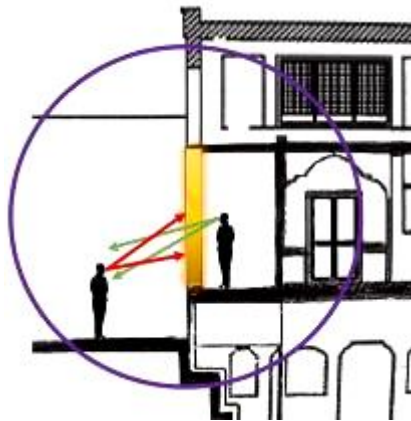


شکل ۳: انعطاف‌پذیری در پلان خانه تاریخی امینی‌ها، (نگارندگان)



محرمیت

یکی از راه‌هایی که محیط می‌تواند، به‌طور مستقیم بر احساس داشتن حریم، تأثیر بگذارد، افزایش یا کاهش احساس دیدن و دیده‌شده و منظور از این امر کاهش یا افزایش مزاحمت بصری است (طاهر طلوع دل، اشرف سادات، ۱۳۹۷، ۱۲۶). از ویژگی‌های دیگر معماری نما، تنظیم کیفیت فضایی ارتباط دیداری با فضای باز (حیاط) است؛ به نظرمی‌رسد، معمار تلاش کرده است تا نوعی محرمیت دیگری در ارتباط فضای بسته و فضای باز ایجاد کند. منظور از محرمیت این است که خانه‌های قاجار به‌واسطه دستگاہ ورودی و ساختار درون‌گرایی محرمیتی ایجاد کرده است؛ در اینجا محرمیت دیگری به‌وسیله معماری نمای حیاط میانی شکل می‌گیرد که مربوط به فضای بسته خانه قاجاری است. این موضوع به شکلی است که شخصی که در فضای باز ایستاده است، به‌واسطه معماری نما، نمی‌تواند فضای بسته را به‌خوبی ببیند؛ اما در مقابل، شخصی که در داخل فضای بسته قرار می‌گیرد، اشراف کامل به فضای باز و شخص دارد؛ در واقع شخصی که در فضای باز ایستاده است، به‌سختی می‌تواند فضای بسته را ببیند. از نشانه‌هایی که می‌توان نام برد شیشه‌های رنگی، تزئینات چوبی و قرارگیری بازو بدنه معماری نما در سطح بالاتر از زمین است. هر کدام از این شاخصه‌ها، دلیلی هستند برای جلوگیری از نگاه اشخاص به فضای بسته‌ای که در فضای باز قرار گرفته‌اند؛ در واقع ناظری که در فضای بسته قرار گرفته است تسلط بیشتری به بیرون دارد و همان اندازه ناظر بیرونی، تسلط کم‌تری به فضای داخلی دارد. همین امر باعث محرمیت بیشتر فضای بسته می‌شود (شکل ۴).



شکل ۴: محرمیت به وجود آمده به‌واسطه معماری نمای حیاط میانی، (نگارندگان)

ارتباط با طبیعت

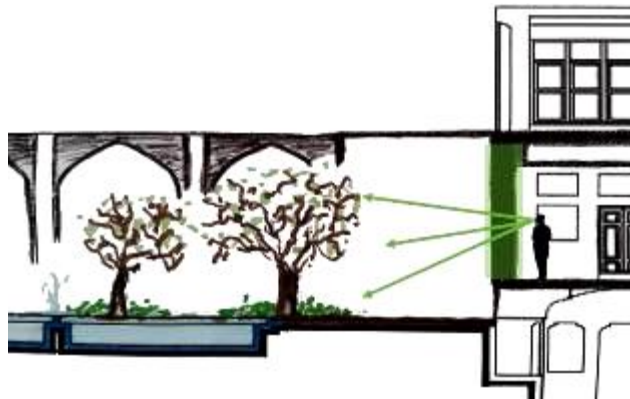
در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته است و امروزه نیز گاهی این ارتباط به چشم می‌خورد. در این فرهنگ‌ها انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و به این دلیل، در ارتباطی چندگانه با آن بوده است این ارتباط نزدیک، هم به انسان و هم به طبیعت، امکان ادامه زندگی را می‌داده است (گروتز، ۱۳۹۷، ۱۱۱). پنجره‌ای که پنجره‌گاه داشته به انسان کمک می‌کند که زندگی را بیابد. صرفاً از روی هوس نیست که مردم اتاق‌های با چنین مکان‌های ویژه‌ای را زیبا می‌پندارند؛ در پس این پندار، علتی طبیعی و بنیادین نهفته است (الکساندر، ۱۳۹۸، ۵۲). علاقه ایرانیان به طبیعت و تلاش در جهت برقراری ارتباط با طبیعت در طرح مایه‌های حیاط خانه‌های قاجاری قابل‌مشاهده است. ارتباط آب، گیاه، آسمان و هر آنچه در طبیعت یافت می‌شود، هم در خانه اعیان و خواص و هم در خانه‌های عموم و مردم عادی یافت می‌شود. انسان همواره سعی کرده تا خود را با

طبیعت نزدیک کند و به همین دلیل در حیاط خانه‌ها، گل و گیاه می‌کارند تا همیشه با طبیعت در ارتباط سرراست داشته باشند (شکل ۵).



تصویر ۵: ارتباط با طبیعت در خانه تاریخی شهیدی و امینی‌ها، (نگارندگان)

در خانه‌های قاجار این دیدگاه بیشتر به چشم ما می‌آید و می‌توان دید که در حیاط، درخت‌های گوناگونی می‌کارند تا این ارتباط را حفظ کنند. در خانه‌های قاجار، بنا در تضاد با طبیعت قرار نمی‌گیرد؛ بلکه معماری و طبیعت باهم ادغام می‌شوند. حال برای نزدیک شدن به طبیعت نیاز بلایای شفاف داشتند تا علاوه بر ارتباط با طبیعت از عوامل مخرب (باد و باران) دور بمانند؛ پس تصمیم می‌گیرند تا در بدنه معماری نما حیاط میانی، بازشوهای شفاف طراحی کنند تا نیاز خود را برطرف کنند؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که معماری نما صرفاً جنبه تزئیناتی یا زیبایی‌شناسان نداشته‌اند؛ بلکه به نظر عملکردی بوده‌اند. شیشه‌ها به‌عنوان لایه شفاف که می‌توانند، ارتباط عمیقی با طبیعت کوچکی که ایجاد کرده‌اند، داشته باشند؛ تناسبات چوبی به‌عنوان اسکلت سازه‌ای برای بدنه معماری نمای حیاط میانی استفاده شده است تا در مقابل عوامل طبیعی لایه شفاف را استحکام ببخشند (شکل ۶).



شکل ۶: ارتباط با طبیعت خانه تاریخی شهیدی، (نگارندگان)

فاصله از سطح زمین

نکته دیگری که در بدنه معماری نمای حیاط میانی، حائز اهمیت است، فاصله گرفتن بازشوها از سطح زمین است. دلایلی گوناگونی وجود دارد برای قرارگیری بازشو در ارتفاع بالاتر از سطح زمین که شاید بتوان، به نورگیری و تهویه فضای زیرزمین اشاره کرد؛ در واقع با بالا قرار گرفتن بازشوهای بدنه معماری نما نور و تهویه مطلوبی به‌واسطه گره‌چینی به فضای زیرزمین منتقل می‌شود. گره‌ها به‌دلیل اینکه نور را به‌وسیله روزنه‌های کوچک منتقل می‌کنند،



نمی‌توانند به‌طور کامل، فضای زیرزمین را روشن کنند؛ به‌همین دلیل فضای زیرزمین به‌نسبت دیگر فضاها از روشنایی کمتری برخوردار است؛ اما در فضاهای دیگر خانه‌ها، مانند خانه آمینی‌ها در حوض‌خانه، منبع نوری دیگری به‌کمک این گره‌ها می‌آید تا فضای داخلی حوض‌خانه را روشن‌تر کند. حوض‌خانه با سنگ‌های مرمرین و هواکش‌ها به‌منظور خنک کردن و تهویه فضای زیرزمین‌ها تعبیه‌شده (آصف‌زاده، ۱۳۷۴، ۱۰۴)؛ اما یکی دیگر از دلایل آن به نظر، اشراف بیشتر ناظر در فضای بسته به فضای باز است. با بالا قرار گرفتن بازشوهای بدنه معماری نمای حیاط میانی از سطح زمین شخصی که در داخل فضای بسته قرار گرفته است، اشراف بیشتری به فضای باز دارد و تمام فضای باز را زیر نظر دارد و در مقابل آن شخصی که در فضای باز قرار دارد قسمت‌های زیادی را به‌واسطه این اختلاف ارتفاعی در بدنه معماری نمای حیاط میانی را از دست می‌دهد (شکل ۷).



شکل ۷: فاصله از سطح زمین خانه تاریخی شهیدی و محمص، (نگارندگان)

تعدیل نور فضا

اگرچه به نظر می‌آید نور را، از حیث ساختار کالبدی، نمی‌توان عنصر تشکیل‌دهنده‌ی معماری به‌شمار آورد؛ اما نور به سبب ایفای نقش چند سویه در پدیداری، تعریف کالبدی-فضایی، کارا (قابل بهره‌برداری) نمودن و نیز کیفیت‌بخشی، می‌توان یکی از بنیادی‌ترین عناصر سازنده‌ی غیر ساختاری معماری، برشمرد (محمدی، ۱۳۸۵، ۲۰). انسان‌ها، بنا بر ساختمان زیستی‌شان به نور گرایش دارند؛ آن‌چنان‌که معمولاً دوست دارند درجایی قرار بگیرند که نور باشد (الکساندر، ۱۳۹۸، ۸۴). از ویژگی‌های دیگر معماری نما عبور دادن نور است؛ نوری که داخل فضای بسته می‌شود به‌واسطه معماری نما تلطیف می‌شود و نور مناسبی فضای داخلی خانه را روشن می‌کند. نور روز، ترکیبی از نور خورشید، نور آسمان و نور بازتاب شده از زمین و اجسام اطراف است. در معماری سنتی ایرانی از نور به‌طور یکنواخت استفاده نمی‌شده؛ بلکه نور همیشه تعدیل‌شده و سپس وارد فضا گردیده است (نعمت‌گرگانی، ۱۳۸۱، ۳۱۸). نور به‌وسیله شیشه‌های رنگی در بدنه معماری نمای حیاط میانی شکسته‌شده و روشنایی که وارد فضای بسته می‌شود به‌طور یکنواخت در کل فضا پخش می‌شود؛ در واقع تمام نور در فضای بسته یکسان است. به نسبت خانه‌های محله آخوند قزوین ابعاد و اندازه بازشوهای بدنه معماری نما، به‌اندازه خانه‌ها مرتبط بوده است؛ برای مثال بازشوهای بدنه معماری نمای حیاط بیرونی خانه آمینی‌ها (حسینی‌ها) خیلی بیشتر از خانه محمص است و به همان اندازه هم از تزئینات بیشتری برخوردار است (شکل ۸).



شکل ۸: تعدیل نور در خانه تاریخی امینی‌ها و زرنگار، (نگارندگان)

تهویه مطلوب

منظور از تهویه مطلوب این است که بازشوهای بدنه معماری نمایی که رو به حیاط هستند، جریان هوا را به راحتی در فضای بسته، در جریان قرار دهند و تهویه مطلوب به واسطه این جریان هوا شکل گیرد. تهویه در بیش‌تر فضاهای خانه مکانیکی است؛ اما در بعضی فضاها، در طول راهروی طبقه بالا، پنجره‌ها حول یک محور می‌چرخند و هم‌زمان یکی یا همه، باز می‌شوند. آن‌ها، مانند سایر تجهیزات خانه، اجرایی و عملکردی هستند (لیتروبارو و مصطفوی، ۱۳۸۹، ۸۰). در خانه‌های قزوین ارسی‌ها به واسطه بالاپایین شدن و در سهدری یا پنج‌دری هوا به واسطه چرخش لولاها که بازشو تعبیه شده است، جریان هوا را عبور می‌دهند؛ از همین روی هوای مطلوبی در فضای بسته در جریان است (شکل ۹).



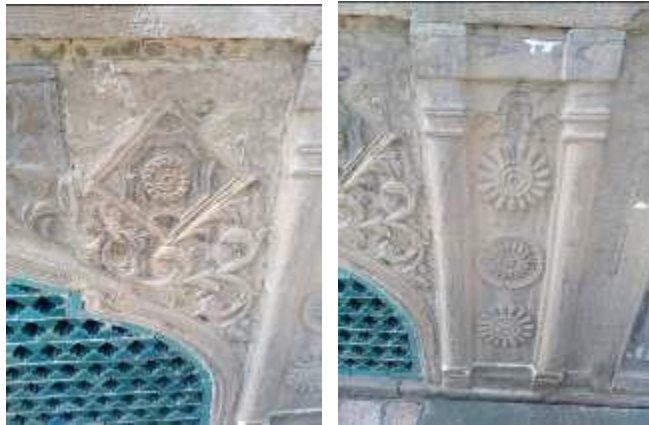
شکل ۹: تهویه مطبوع به واسطه بازشو بدنه معماری نما، (نگارندگان)

تزئینات

دنیای آرایه‌های معماری ایرانی چنان گسترده است که می‌توان به‌عنوان اندامی مستقل تعریف شود و در بخشی خاص مورد بررسی قرار گیرد. در کم‌تر معماری، می‌توان چنین گوناگونی و گستردگی در اجزا را مشاهده کرد. این آرایه‌ها شامل مقرنس، کتیبه‌ها، شیشه‌رنگی، کاشی‌کاری، گچ‌بری و غیره است (معماریان، ۱۳۹۳، ۸۲). در این‌گونه منازل بزرگ، تزئینات زیبا و ماهرانه‌ای یافت می‌شود. گاه سقف و دیوارهای اتاقی پوشیده از تصویراست و با قطعات ریزی، آینه‌کاری شده است. در نمای بیرونی منازل و ایوان‌ها کاشی‌کاری‌هایی به رنگ‌های متنوع به چشم می‌خورد. گاه این نما خطی از کاشی‌های آبی و سفید، یا زرد و سیاه است؛ در بعضی دیگر تمام سردر، کاشی‌کاری می‌شود و در برابر آفتاب تابان جلوه بی‌نظیری دارد (رایس، ۱۳۸۳، ۱۲۴). تزئینات پرکار به‌کاررفته در نما که می‌تواند حاکی از موقعیت مطلوب مالی صاحب‌خانه هم باشد. نقوش به‌کاررفته در تزئینات این نماها، نشانگر این موضوع هستند که تا



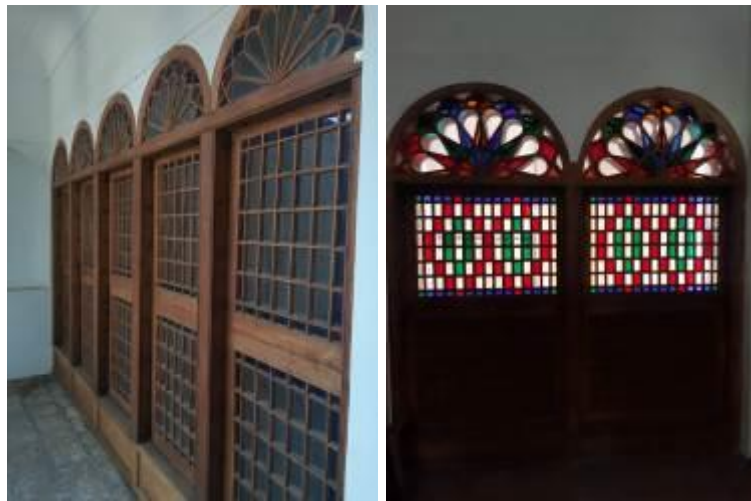
چه میزان جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه و افکار او و یا سایر افراد، حول این جایگاه، بر انتخاب طرح نقش و تزئینات موثر است (جلالی میلانی و دیگران، ۱۳۹۹، ۸). ساختمان و اتاق‌ها را بنا به رسم، با شیشه‌های رنگارنگ بالای در و خانه‌ها که سلیقه‌ای مشترک در ممالک اسلامی است، گاه چشم آزار و خسته‌کننده می‌شود (اینووه، ۱۳۹۰، ۳۳). معماری نما بر اساس فضایی که پوشش می‌دهند، می‌توانند از تزئینات بیشتری برخوردار شوند؛ این تزئینات وابسته به فضای خانه می‌تواند گوناگون باشد؛ برای مثال، معماری نما که فضای شاه‌نشین را پوشش می‌دهد از تزئینات بیشتری برخوردار است و در مقابل، معماری نما که فضای اتاق‌ها (سهدری یا پنج‌دري) را پوشش می‌دهد از تزئینات کم‌تری برخوردار است. این موضوع بیشتر به دلیل ارزش فضای پشت معماری نمای حیاط میانی است. همان‌طور که اشاره شد معماری نما در حیاط‌های اندرونی و بیرونی، باهم گوناگون هستند و این گوناگونی نه‌تنها در ابعاد تأثیر گذاشته است؛ بلکه در تزئینات هم اثر می‌گذارد. حال در معماری بومی روستایی و آبادی‌های کوچک، معماری نمای بیرونی عاری از تزئینات، یا سادگی ویژه‌ای شکل می‌گیرند. به شکلی که معماری نما، تمام از کاه‌گل، اندوده‌ای قرمز، زرد و اندود سفید و غیره تشکیل شده‌اند و تنها چند بازو ساده در بدنه معماری نما قرار گرفته است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: تزئینات وابسته به معماری نمای حیاط میانی خانه تاریخی امینی‌ها، (نگارندگان)

جزئیات شکلی

جزئیات شکلی در واقع اشکال هندسی هستند که در بدنه بازوهای معماری نمای حیاط میانی خانه‌ها طراحی شده‌اند. این جزئیات در تمامی معماری نماها دیده می‌شود که با روش‌های گوناگون، با توجه به مالکان خانه و جایگاه و منزلت آن‌ها در برخی بسیار پرکار و در برخی دیگر بسیار ساده طراحی شده‌اند. جزئیات شکلی در معماری نمای حیاط، هر چه پرکار باشد در ایجاد محرمیت بیشتر و تعدیل نور می‌تواند، بسیار کارآمد باشد در مقابل هرچه این جزئیات ساده‌تر طراحی شده باشند، وارونه آن پیش می‌آید؛ همچنین این جزئیات شکلی می‌تواند به صورت سراسر در تنظیم کیفیت فضای بسته تأثیر بگذارد (شکل ۱۱).

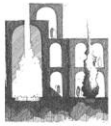


شکل ۱۱: جزئیات شکلی در بازشوهای خانه تاریخی امینی‌ها، (نگارندگان)

سنجش تأثیر هر یک از ویژگی‌های به‌دست‌آمده در خانه‌های تاریخی محله آخوند شهر قزوین هر یک از ویژگی‌های مؤثر بر تنظیم کیفیت فضایی در این بخش، مورد سنجش قرار می‌گیرند. این سنجش در سه سطح موضوعات مفهومی، تنظیم شرایط محیطی و جزئیات مورد بررسی قرار می‌گیرند. میزان سنجش هر یک از ویژگی‌ها هم در سه سنجه زیاد به این معنی که این ویژگی در معماری نمای حیاط میانی بسیار زیاد دیده می‌شود. سنجه بعدی متوسط به این معنی که در حد متوسط قرار دارد و در سنجه کم به این معنی که بسیار کم این ویژگی در معماری نمای حیاط میانی خانه مشخص شده دیده می‌شود.

جدول ۲: تطبیق سنجش تأثیر ویژگی‌های مؤثر بر تنظیم کیفیت فضایی در خانه‌های محله آخوند و خانه‌های محلات دیگر شهر قزوین، (نگارندگان)

سطح سوم (جزئیات)		سطح دوم (تنظیم شرایط محیطی)			سطح اول (موضوعات مفهومی)			ویژگی خانه	
جزئیات شکلی	تزیینات	تهویه مطلوب	تعدیل نور	فاصله از سطح زمین	ارتباط با طبیعت	محرمیت	انعطاف پذیری		
زیاد	کم	کم	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط	شهیدی	محله آخوند
زیاد	زیاد	متوسط	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	امینی‌ها	
کم	کم	کم	کم	متوسط	کم	زیاد	کم	محمص	
زیاد	متوسط	متوسط	کم	متوسط	زیاد	متوسط	متوسط	زرنگار	
متوسط	کم	متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط	کم	اسدی	نمونه محلات دیگر
متوسط	متوسط	زیاد	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	بهشتی‌ها	
متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	کم	زعیم	
متوسط	متوسط	متوسط	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	بهروزی‌ها	



بحث و نتیجه‌گیری

منظور از تنظیم کیفیت فضایی، ارتباط فضایی باز و بسته است. وظیفه معماری نما، ایجاد ارتباط بین این دو فضا بوده؛ در واقع به‌عنوان خط حائلی نقش مهمی را ایفا می‌کند. این خط حائل می‌تواند در سه وجهه، مانند حیاط بیرونی خانه آمینی‌ها یا در یک وجهه، مانند حیاط بیرونی خانه شهیدی، محصص و زرنگار وجود داشته؛ با توجه به مطالب ذکر شده در مورد خانه‌های قاجاری هم‌نشینی بلا واسطه‌ای در فضای باز و بسته دیده می‌شود.

در نتایج به‌دست‌آمده، از ویژگی‌های مؤثر بر معماری نمای حیاط میانی در تنظیم کیفیت فضایی، می‌توان آن‌ها را بر اساس داده‌ها سطح‌بندی کرد از این‌رو سه سطح تعریف می‌شود؛ سطح اول، موضوعات مفهومی است که شامل انعطاف‌پذیری، محرmit، ارتباط با طبیعت و سطح دوم، تنظیم شرایط محیطی که شامل فاصله از سطح زمین، تعدیل نور و تهویه مطلوب می‌شود. در انتها، سطح سوم که جزئیات است و شامل تزئینات و جزئیات شکلی می‌شود.

در بررسی صورت گرفته در خانه‌های محله آخوند قزوین، مشخص شد که معماری نماهای حیاط میانی، دارای عملکرد گوناگونی بوده‌اند و هر کدام از ویژگی‌های بررسی شده در کیفیت فضایی، نقش مهمی داشته‌اند؛ همچنین بین ویژگی‌ها ارتباطی وجود دارد که بر روی هم تأثیر سراسری می‌گذارند. معماری نما به‌واسطه ویژگی‌های گوناگونی که دارند، باعث ارتباط بین فضای باز و بسته می‌شوند. معماری نما به نسبت فضایی که پوشش می‌دهند، می‌توانند از تزئینات مختلفی بهره‌مند شوند؛ برای مثال تزئیناتی که فضای شاه‌نشین را پوشش داده است از جزئیات بیشتری، به نسبت سه‌دری‌ها برخوردار است. همین جزئیات، باعث نوعی محرmit دیگری می‌شود که شخصی که در داخل فضای بسته است، می‌تواند از طریق شیشه‌ها به فضای باز، اشراف داشته باشد تا افرادی که از دالان خانه وارد می‌شوند، برای بار دوم، شناسایی شوند تا فضای بسته را آماده پذیرایی کنند. این موضوع در واقع در حیاط بیرونی اتفاق می‌افتد. ویژگی دیگر معماری نمای حیاط میانی، انتقال نور است؛ نور علاوه بر اینکه به‌صورت تلطیف شده به فضای بسته منتقل می‌شود به‌واسطه فاصله گرفتن بازشوه‌های بدنه معماری نما از سطح زمین نور مطلوبی هم به زیرزمین منتقل می‌کنند؛ در واقع نوری که به زیرزمین منتقل می‌شود به‌وسیله گره چینی‌ها، نور شکسته‌شده و نور با شدت کمتری (در حد روشنایی) وارد زیرزمین می‌شود. تمامی این ویژگی‌ها کمک به سزایی برای تنظیم کیفیت فضایی باز و بسته در خانه‌های تاریخی قاجاری محله آخوند شهر قزوین می‌کنند. در نتایج پایانی به نظر می‌رسد، معماری نمای خانه-های تاریخی قاجاری به‌ویژه خانه‌های درون‌گرا، نقش بسیار مهمی در طرح‌مایه کلی خانه دارند. به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد، ارتباط سراسری با چیدمان فضاها دارد. در این پژوهش مشخص شد که نقش معماری نما در خانه‌های محله آخوند شهر قزوین، پراهمیت است و عامل‌های پنهانی بسیاری در طراحی آن مؤثر هستند؛ همچنین سطح مفهومی تأثیر بیشتری در شکل‌گیری معماری نمای خانه‌های محله آخوند قزوین دارد و سطح سوم، جزئیات نسبت کمتری در طراحی معماری نمای خانه‌ها دارد. این موضوع نشان‌دهنده این است که تزئینات و نگاه سطحی به معماری نما کم‌تر مدنظر طراح بوده است و بیشتر بر پایه عملکرد فضا و معماری نمای آن بوده است.

منابع و مأخذ

آصف‌زاده، محمدباقر. (۱۳۷۴). قزوین در گذرگاه هنر. چاپ اول. قزوین: انتشارات بحرالعلوم.
الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۸). معماری و راز جاودانگی. (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). چاپ پنجم، ویراست دوم. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

اینووه، ماساجی. (۱۳۹۰). سفرنامه ایران. (ترجمه هاشم‌رجب‌زاده). تهران: انتشارات طهوری.
بهرامی برومند، مرضیه. (۱۳۹۷). دیگری در اندرونی؛ واکاوی فضای جنسیتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات تیسرا.



پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۲). پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۱۴ (۱۴)، ۵۱-۶۲.

پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۱). سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. پرهیزکاری، مهرزاد. (۱۳۹۰). مجموعه مقالات قزوین با نگاهی به بلديه. دفتر دوم. قزوین: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قزوین.

جلالی میلانی، سمیه. نژاد ابراهیمی، احد؛ بیتی، حامد؛ و وندشعاری، علی. (۱۳۹۹). فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای خانه‌های قاجاری (بررسی موردی نمای خانه سرخه‌ای). فرهنگ، معماری و شهرسازی اسلامی (دانشگاه هنر اسلامی تبریز)، ۵ (۱)، ۱۶۲-۱۸۵. DOI: 10.29252/ciauj.5.1.165

حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران. تهران: نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. حضرتی، محمدعلی. (۱۳۸۹). دریچه‌ای به دروازه بهشت. قزوین: انتشارات سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان قزوین. دبیرسیاقی، سید محمد. (۱۳۸۱). سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن از آغاز تا سال ۱۳۲۰ هجری شمسی. چاپ اول. قزوین: انتشارات سازمان میراث فرهنگی قزوین و حدیث امروز.

رایس، کلارا کولیور. (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان. (ترجمه اسدالله آزاد). تهران: کتابدار. رحمانی، سارا؛ و ندیمی، حمید. (۱۳۹۸). تأملی در کیفیت و معنی محیط. مجله باغ نظر، ۱۶ (۷۱)، ۵۱-۶۰.

<https://doi.org/10.22034/bagh.2019.86873>

شولتز، کریستین نوربرگ. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری. (ترجمه ویدا نوروز برازجانی). چاپ اول. تهران: انتشارات پرهام نقش. سامه، رضا. (۱۳۹۶). تأملی بر مفهوم کیفیت بر معماری. دو فصلنامه اندیشه معماری، ۲ (۳)، ۴۴-۶۴.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383019.1397.2.3.4.2>

صالحی پور، علی؛ اعتصام، ایرج؛ و مفیدی شمیرانی، سید مجید. (۱۳۹۹). بازشناسی ساختار فضای باز حیاط و تعامل آن با جداره‌های شفاف در خانه‌های تاریخی شهر اردبیل. دو فصلنامه اندیشه معماری، ۴ (۸)، ۲۲۰-۲۰۲.

<https://doi.org/10.30479/at.2020.11149.1259>

طاهر طلوع دل، محمدصادق؛ و سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۷). آرامش در خانه ایرانی. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

گلریز، سید محمدعلی. (۱۳۳۷). مینودر یا باب‌الجنه قزوین تاریخ و جغرافیای تاریخی قزوین. جلد اول. تهران: انتشارات طه. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۹۸). روش‌های تحقیق در معماری. (ترجمه علیرضا عینی فر). چاپ دهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. گروت، یورت کورت. (۱۳۹۷). زیبایی‌شناسی در معماری. (ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و همایون عبدالرضا). چاپ دوم، ویراست دوم. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

لیتروبارو، دیوید؛ و مصطفوی، محسن. (۱۳۸۹). معماری سطوح. (ترجمه مصطفی کیانی). چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه هنر لینچ، کوین. (۱۳۹۵). سیمای شهر. (ترجمه منوچهر مزینی). چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مجابی، سید مهدی. (۱۳۸۸). در جستجوی هویت شهری قزوین. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۵). آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه‌شناسی درون‌گرا. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳). مبنای طراحی معماری. چاپ اول. تهران: انتشارات نغمه نو اندیش. منصوری، سید امیر؛ و دیزانی، احسان. (۱۳۹۵). سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین از ابتدا تا دوران معاصر. چاپ اول. تهران: نشر پژوهشکده نظر.

نوابی، کامبیز؛ و حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). خشت‌وخیال. تهران: انتشارات سروش.

Edwards, Brain. Sibley, Magda. Hakmi, Mohamad and Land, peter. (2013). Courtyard housing past, present and future. Taylor and Francis group.

Nooraddin, H. (1998). Al -fina', in -between spaces as an urban design concept: Making public and private places along streets in Islamic cities of the Middle East. Urban Design International, 3(1 -2), 65 -77.

URL1: [https://www.iranboom.ir/didehban/yademan-ha/11143-khane-zarnegar.html\(1400/05/15\)](https://www.iranboom.ir/didehban/yademan-ha/11143-khane-zarnegar.html(1400/05/15))

URL2: <https://www.isna.ir/news/qazvin->